۶۸۴۳ دوشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۳■ ۲۱ صفر ۱۴۴۶

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه



تولدی دیگر برای فرشته بی‌بال

■ زهره حمیدی، بازیگر تلویزیون و سینما بعد از تحمل یک دوره بیماری، روز اربعین حسینی درگذشت

۶

تصویر فتنه جهود از عاشورا تا غزه

■ نمایش میدانی «تنهاتر از مسیح» برای پنجمین سال متوالی چندین هزار مخاطب را در بوستان ولایت گرد هم آورد

۸

خاطره‌بازی ورزشی با جواد آقا

■ جواد خیابانی به‌واسطه سال‌ها حضور در حوزه اجرا و گزارشگری ورزشی، در برنامه‌ای جدید راوی تاریخ ورزش ایران شده است

۷

داستان ۳۰۰۰ کیلومتر رنج

■ بررسی مسیر حرکت اسرای کربلا، نشان می‌دهد که خاندان عصمت و طهارت با چه مصائب و رنج‌هایی در این راه مواجه شده‌اند

۱۱

عاشقانه‌ای در کشاکش نبرد با تکفیری‌ها!

■ فیلم قلب رقه به عنوان یک فیلم در گونه حادثه‌ای - جاسوسی محصولی موفق در عرصه جنگ روایت‌هاست



۱۰

دوشنبه‌نوشته‌ها

بی‌توجهی سینما به عظیم‌ترین نمایش جهان



محمدتقی فهیم
منتقد سینما

انتظار می‌رفت سینمای پس از انقلاب نه‌فقط در مضمون که حتی در مولفه‌های ریخت و شکل تغییر کند. سینما در دهه ۶۰، تاحدودی از گذشته فاصله گرفت و خیزهایی برداشت اما از آنجاکه هیچ الگوی فرمی تئوریزه‌شده‌ای وجود نداشت و نظریه‌پردازان هم به کمک تولیدکنندگان نیامدند، مولفه‌های فیلمفارسی با رویکردهای شبه‌روشنفکرانه از کمین خارج و به‌تدریج احاطه‌اش را عینیت بخشید. درحالی‌که همه جوانب هنر و سینمای کشور، آمادگی تغییرات بنیادی را داشت. یعنی مردم بیگانه با سینما به یمن پاکسازی محیط هنرهفتم روی خوش به سالن‌ها نشان دادند تا فرصتی برای شکل‌گیری سینمای بومی،ملی و دینی،مذهبی ایران فراهم شده باشد. سینمایی که در مولفه‌های ساختاری، فرمیک آن، مهر ایرانی بر پیشانی‌اش تلألؤ داشته باشد. چیزی مانند سینمای هند. سینمایی که در همه جزئیاتش با سینمای بقیه جهان تفاوت ماهوی دارد. یا سینمای کلاسیک ژاپن... نوعی از فیلمسازی که در تک‌فریم‌هایش زیست‌بوم مردم آفتاب تابان قابل‌شناسایی است. یعنی چنان هویت و اصالت در تاروپود ساخت‌وساز فیلم‌ها تنیده، چنانچه یک قاب از نوار سلولوئید را مقابل نور بگیریم کاملا قابل‌فهم است که با سینمای کدام کشور طرف هستیم؛ حالا از آمریکا و تولیدات هالیوود می‌گذریم، برخی کشورهای دارای سینما در اروپا را هم نادیده می‌گیریم، ولی نمی‌شود سینمای کره و چین این سال‌ها را مثال نزد. سینمای ایران هنوز از سنت دیرینه کپی‌کاری، تقلید و وام‌گیری نه‌تنها رهایی نیافته بلکه بازگشتی عیان به ساختارهای قدیمی یافته است. دوران رونق سینمای عراق در دهه ۴۰ و سینمای مصر در سال‌های شکوفایی‌اش در کنار سینمای ایران با قالب فیلمفارسی، به‌دلیل این‌که کم‌وبیش با انبوه مردم و فرهنگ و ارزش‌های زیستی غالب جمعیت همراه بود، همواره در خطر بحران بی‌هویتی به سر برده است، طوری که از سینمای عراق و مصر چیزی نماند و فیلمفارسی هم با فروپاشی نظام گذشته عقب نشست. سینما آنجا رنگ‌وبوی اینجایی می‌گیرد که در رویکردهای غالب مفهومی-فرمی به حساسیت‌های جمعیت کشور واکنش نشان دهد نه این‌که از کنار آنها بگذرد. مثلا همین راهپیمایی بزرگ و باشکوه و مردمی اربعین (به‌جز مستندها و بعضا فیلم‌کوتاه) در سینمای داستانی بلند، جایی نداشته و ندارد. کمااین‌که شاهد هستیم حتی تلویزیون در این مناسبت مهم و ارزشمند چیزی جدید برای روی آنتن فرستادن ندارد. مردمی که در خانه هستند هرساله باید پای فیلم‌های سینمایی منهای اربعین باشند. مسافری، روز واقعه، شب‌دهم، ریشه در خون و ... و بعضا تله‌فیلم‌های مذهبی بی‌ارتباط مستقیم با اربعین، گزینه‌های تکراری شبکه‌های مختلف تلویزیونی در این مناسبت است. مطابق مستندات و گزارش‌های مختلف و نقل‌های شفاهی مردم حاضر در مراسم اربعین و خصوصا پیاده‌روی مشترک شیعیان و علاقه‌مندان امامان معصوم، به‌ویژه امام حسین(ع)، همه‌گوشه و کنار این تظاهرات عظیم مذهبی دراماتیک و در عین این‌که پدیده‌ای به‌غایت شگفت و موردکنجکاوی مردم جهان است. وقتی شاهدیم افراد غیرمسلمان بسیاری از گوشه‌وکنار دنیا برای دیدن این رخداد تاریخی راهی ایران و عراق می‌شوند بی‌تردید چنانچه تریلرهای خوبی ساخته یا ملودرام‌های پرملاتی تولید شود حتما مورد اقبال بخش زیادی از مردم دنیا نیز قرار خواهد گرفت.

مطابق تجربه، بازار مصرف فیلم دنیا از هر کشوری، آثاری را دنبال می‌کند که واجد فرهنگ و ارزش‌های فردی-جمعی و تاریخی همان کشور باشد. بنابراین یکی از عوامل بومی‌سازی سینمای ایران بهره‌بردن از بطن و متن همین پدیده نادر در جهان است. نکته بارز قضیه اینجاست که همه‌چیز به منظور تحقیق و پژوهش در دسترس است. در واقع دستمایه موضوعی-مضمونی برای ساخت درام‌های جذاب وجود دارد؛ فقط باید خلاقیت نویسندگان سناریوها به‌کار گرفته شود تا در این بستر، داستان‌سرایی مناسب برای فیلم شکل بگیرد.

زاویه‌دید

تصویر قدسی

نهضتی که حسن روح‌الامین با موضوع مصورسازی تاریخ شیعه شروع کرده بود میان نسل جوان هنرمند به جریان تبدیل شده است



روایت تصویری حسن روح‌الامین و محمدعلی نادری در اربعین ۱۴۰۶

روایتگری سنت دیرینه هنر نقاشی است؛ سنتی که باید آن را دلیل ظهور چنین هنری دانست. روایتگری با تصویر، تاریخی کهن در هنر نقاشی دارد و از عصر کلاسیک تا امروز، جریانی متداول در هنر بوده است؛ اما تاریخ هنر شرق و تمدن ایرانی چنین نشانه‌هایی را کم دارد؛ زیرا طبق قانون نانوشته‌ای از زمان شکل‌گیری تمدن‌ها، شرق تمدن خود را بر کلام و روایت بنا کرده و تمدن غرب عنصر روایتگری با تصویر را برگزید.

نگاهی اجمالی به حوزه تمدنی و رسانه‌های در اختیار تمدن‌ها به خوبی نشان می‌دهد، تمدن ایرانی و شرق دور، متکی بر کلام و ادبیات هستند و هنوز هم شعر بزرگ‌ترین رسانه شرقی‌هاست و بالعکس تمدن‌های غرب، یونانی و رومی، متکی بر تصویر هستند و تجلی اندیشه‌های خود را مبتنی بر همین موضوع گذاشته‌اند. از همین رو تاریخ هنر شرق و تمدن ایرانی نشانه‌های تصویری را کم دارد. باتوجه به این موضوع می‌توان حسن روح‌الامین، نقاش فرهنگ دینی را احیاگر سنت روایتگری با تصویر در ایران دانست؛ سنتی که بعد از سده‌ها که در نگارگری ایرانی وجود داشت، حالا با شکلی کلاسیک احیا شده است. این رویکرد از آنجا قابل توجه به نظر می‌رسد که در عصر گفت‌وگو میان غرب و تفکر اسلامی و رویکرد جوانان غربی به اسلام، استفاده از هنری که در غرب خوانش بیشتری دارد از سوی یک هنرمند مسلمان می‌تواند راهکاری قابل توجه در راستای ترویج فرهنگ اصیل اسلام در جهان غرب باشد و همین موضوع است که روح‌الامین را در عین توجه جوانی به نقاشی مهم در هنر ایران بدل کرده است.

ارتقای فرهنگ بصری اسلامی

این رویکرد روح‌الامین در عرصه نقاشی به‌نوعی ارتقای فرهنگ بصری در کشور است که خود، راهی برای توسعه فرهنگ بصری و خوانش تصویر را برای مخاطبان به همراه خواهد داشت. وقتی عنصر روایت فرهنگ شیعی که در میان مردم شناخته شده است با نمادپردازی روی بوم هنرمند نمایان می‌شود؛ مخاطب به‌راحتی آن نمادها را بازخوانی می‌کند و همین مسأله به تربیت مخاطبانی منجر خواهد شد که می‌توانند نمادها در هنر نقاشی را بازخوانی کنند و به این صورت شاهد توسعه فرهنگ بصری هم در کشور باشیم.

از سوی دیگر تلاش روایتگری با تصویر پیرامون باور فرهنگ شیعی از طرف حسن روح‌الامین که حالا چهره شناخته‌شده‌ای در این عرصه است، سبب شده تا نسل جوان هنرمند نیز با تأسی از این فرهنگ و وجود نمونه‌هایی تصویری از سوی روح‌الامین پا در این راه گذاشته و به خلق آثار در این زمینه بپردازند. همان‌گونه که شاهد بودیم، در اربعین امسال حسن روح‌الامین در کنار محمدعلی نادری از هنرمندان جوان این حوزه بر بالای تل زینبیه، دست به خلق روضه تصویری از واقعه عاشورا و کربلا زدند.

هنر مذهبی و مصورسازی تاریخ شیعه

شاید برای درک بهتر آثار حسن روح‌الامین که در حال حاضر به جریانی هنری در میان نسل جدید نقاشان بدل شده، باید اشاره‌ای هم به فرهنگ هنر مذهبی داشته باشیم. گونه‌ای هنری که بسیار اصیل و تاریخی از انواع هنرهاست هنرمندان بسیاری را در طول دوره‌های گوناگون تاریخ هنر، شیفته خود کرده و چون همیشه از وجه اخلاقی انکارناپذیری برخوردار بوده است، محققان و منتقدان هنر از آن با عنوان شریف‌ترین هنر نام برده‌اند.

به هر روی وجه ایمان، هنر دینی را خاص و متمایز می‌کند؛ زیرا آفرینش صحنه‌های هنر مذهبی برای هنرمند به‌هیچ‌وجه ساده نیست، چراکه اثر هنری باید ضمن حفظ تقدس موضوع و رعایت نظریات و روایات دینی، از خلاقیت هنری هم برخوردار باشد. پس هنرمند دینی مسئولیتی دوگانه دارد: اگر هنجارگرایی را از الزامات هنر دینی بدانیم، حفظ آزادی و خلاقیت هنرمند وجه دیگر آن است. به هر روی در طول تاریخ هنر جهان، دین یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هنر بوده و در سرزمین ما نیز هنر ایرانی با تکیه بر مفاهیم والای مذهب تشیع همواره اعتقادات، باورها و شعائر مذهب شیعه را در قالب‌های نمادین، تصویری یا نوشتاری مرتبط با حضرت علی(ع) اولین امام شیعیان، حضرت فاطمه(س) و اهل بیت(ع)، متجلی کرده است.

تابش نور بر دل تاریخ تشیع

بررسی‌های تاریخی جامعه‌شناختی و هنری، نمایانگر آن است که معماری، خوشنویسی و نقاشی بیش از هر محمل دیگر هنری در طول تاریخ، طلایه‌دار درخشش افکار شیعی بوده‌اند و کمتر وجه تصویری هنر دینی را در این عرصه شاهدیم و شاید نخستین نشانه‌های هنر شیعی در نقاشی، در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی به‌طور مشخص به چشم می‌خورد. اما حسن روح‌الامین، هنرمند معاصر که هنر خود را وقف هنر دینی و مصور کردن تاریخ تشیع کرده در یک دهه اخیر با بیانی زیبا، ملهم از فضاهای هنری باروک و با مهارتی کلاسیک آثار قابل توجهی آفریده که به غنای فرهنگ بصری تشیع بدل شده است. این هنرمند با استعداد ایرانی غیر از تسلط به شیوه‌های نقاشی و پشتکار و تمرین بسیار، با تأسی از عشق اهل‌بیت(ع)، این جرات را یافته تا هنر شیعی را در آثارش به‌خوبی بازنمایی کند. نخستین ویژگی آثار روح‌الامین این است که حساسیت بیننده را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ابعاد تابلوها از یک‌سو و ترکیب‌بندی‌ها و غنای رنگ در آثار از سویی دیگر، دیدگان مخاطب را خیره می‌کنند. غنای رنگ در برخی از آثار او یادآور رنگ‌پردازی‌های هنرمندان بزرگ عصر رنسانس است. این هنرمند با در تقابل گذاشتن نور و تاریکی صحنه‌هایی تئاترگونه پدید می‌آورد که گویی بر صحنه‌ای نورافکن روشن کرده تا آن روایت را بازخوانی کند.

پژوهش

زاویه دید روای کربلا

واقعه کربلا، بدون روایتگری عمه سادات، زینب‌کبری(س) شاید هیچ‌گاه اینگونه جهان‌افروز نمی‌شد. حال حسن روح‌الامین به همراه محمدعلی نادری که هردو نقاش، ارادت به خاندان اهل بیت(ع) در آثارشان مشهود است، بر بلندایی که زینب(س) در اولین اربعین تاریخ به میعادگاه کربلا نگریست؛ همزمان با اربعین ۱۴۴۶ قمری دست به آفرینش هنری زدند. این دو هنرمند معاصر در آثار خود مصیبت‌های حضرت زینب(س)، راوی کربلا و سردار فتح شام را بر بوم نقش زدند تا با بیان اصیل و عمیق هنر، سخنی نو از این واقعه تاریخی را روایت کنند که به گسترش بیشتر فرهنگ عاشورایی در میان جوانان منجر شود. همان‌گونه که محمدعلی نادری پیش‌تر بیان کرده بود: «مخاطب اصلی آثار من کسانی نیستند که به مجلس روضه امام حسین(ع) می‌آیند؛ بلکه آنهایی هستند که تا به حال پایشان به مجالس روضه باز نشده است.»